

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

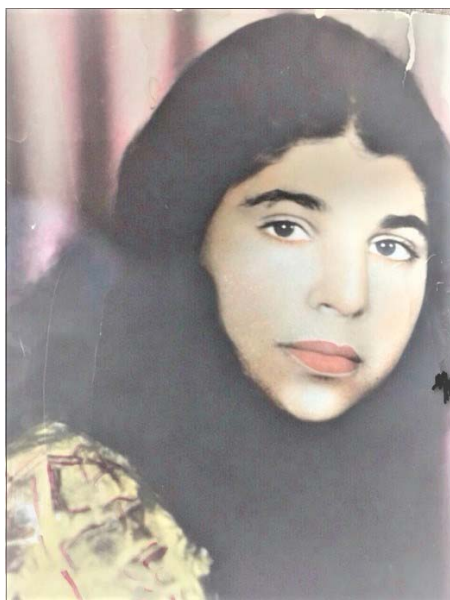
Martyrs

جانبازان

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۲ می ۲۰۲۰

در باره زندگی رفیق شهید فاطمه رخ بین



در ۱۶ مهر ماه [میزان] سال ۶۰ و با شلیک پاسداران شب، قلب سرخ چریک فدائی خلی رفیق فاطمه رخ بین برای همیشه از تپیدن باز ماند و چریکهای فدائی خلق ایران یکی دیگر از یاران جوان و جسور خود را در پیکار برای نابودی ستم و استثمار و برقراری یک جهان نوین از دست دادند. با توجه به این واقعیت که رفیق فاطمه در سال ۴۴ در یکی از محله های قدیمی بندر عباس به نام "سید کامل" متولد شده بود. روشن است که شب پرستان حاکم، با ددمنشی ذاتی خود دختری را تیرباران نمودند که تنها ۱۶ بهار از زندگی اش می گذشت.

رفیق فاطمه در خانواده ای زحمتکش چشم به جهان گشود و پدرش آبدارچی اداره مخابرات بندر عباس بود و از این طریق زندگی خانواده بسختی تأمین می شد. واقعیتی که این نوجوان آگاه را با تمام قواء برای محو فقر و استثمار به صفوف مبارزه انقلابی راند.

در شرایط خاص مبارزاتی پس از قیام بهمن ماه [دلو] و همراه با اوج گیری اعتراضات دانش آموزی در بندر عباس که هواداران چریکهای فدائی خالق نقش اصلی را در آن مبارزات ایفاء می کردند، رفیق فاطمه به صف هواداران سازمان در این شهر پیوست و به دلیل توانائی هایش و گسترش مسئولیت های انقلابی اش، در نیمه دوم سال ۵۹ زندگی نیمه مخفی در پیش گرفت. با یورش نیرو های سرکوب جمهوری اسلامی به سازمان های سیاسی و پولیسی شدن شدید فضای شهر بندر عباس در سال ۶۰، رفیق فاطمه کاملاً مخفی و همراه با تعدادی از رفقاء به تهران منتقل شد. متأسفانه در شهریور [سنبله] سال ۶۰ پایگاه این رفقاء که برای تأمین نیازهای مبارزاتی سازمان در تدارک مصادره موجودی یک بانک بودند مورد تهاجم پاسداران جمهوری اسلامی قرار گرفت و در جریان درگیری با پاسداران سرمایه چند تن از رفقاء به شهادت رسیده و رفقاء فاطمه و طیبه (نسرین سلمانی کُله) دستگیر شدند. به دنبال دستگیری این رفقاء، آن ها به اوین منتقل شده و توسط دژخیمانی چون اسدالله لاجوردی تحت شدید ترین شکنجه ها قرار گرفتند. از آن جا که

بخش بزرگی از فعالیت های این رفقاء در بندر عباس انجام شده بود، مسؤولین اوین آن ها را برای تکمیل مراحل باز جوئی به بندر عباس منتقل کرده و با توجه به پایداری این رفقاء بر آرمان های انقلابی شان خیلی زود در ۱۶ مهر ماه [میزان] تیرباران شدند. به این ترتیب این رفقاء تا آخرین لحظه زندگی بر پیمانی که با کارگران و ستمدیدگان بسته بودند، استوار باقی ماندند. رفیق فاطمه از زمره نسل نوجوانان و جوانان انقلابی کمونیستی بود که زندگی کوتاه ولی پر بارش تماماً در راه رهائی ستمدیدگان قرار داشت. ولی چگونگی جان باختن و مرگ این دختر رزمنده نوجوان نیز چهره ننگین رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر افشاء نمود. یاد و خاطره این ستاره سرخ جوان، رفیق فاطمه رخ بین فراموش نشدنی ست.

یاد رفیق فاطمه رخ بین گرامی و راهش پر رهرو باد!

به یاد رفیق فاطمه رخ بین

همچنان می تپد آن قلب جوان!

(برای فاطمه، ستاره ای جوان از کهکشان بی انتهای خلق)

رفقائی هستند

که پر از ایمانند

یادشان شورانگیز

وصف شان خاطره انگیز و

طراوت بخش است

نیستند در بر ما

لیک هنوز

زنده و زیبایند

در فراسوی زمان

از همان چوبه داری که از آن آونگ اند

با حضوری قاطع

گام بر می دارند

قلبشان پژواک

رژه ارتش خلق

در نبردی که پُر انباشته از آگاهی ست

از تن کوفته دشت جنوب

تا همان جنگل بیدار شمال

خونشان آب زلالی ست به سرتاسر خاک

یادشان زنده و پر شور و عزیز

راهشان سخت، ولی،

روشن و محتوم و

أُفُق واره زبائی هاست

و چه پر آشوب است

این عزم جوان

و چه رؤیائی و وهم انگیز است

این زنده نگاه

چه جوان است هنوز خاطره شان

چه عجیب است چنین تکراری

چهره هائی که پر از زبائی ست...

در فراسوی زمان

همچنان می تپد آن قلب جوان...

به نقل از: ماهنامه کارگری، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۷۶، پانزدهم اردیبهشت ماه [ثور] ۱۳۹۹